

تسلیت

جناب آقای شهباز ظاهری و بانو

خبر درگذشت شادروان «فریبا ليقوانی» موجب نهایت تأسف و تأثر ما گشت. این ضایعه را به شما و کلیه بستگان تسلیت گفته و برای همگی صبر و بردباری آرزو می کنیم.

کانون پدران و مادران شمال کالیفرنیا

تسلیت

سهیلا و شهباز عزیز، خانواده محترم ليقوانی

در گذشت نابهنگام «فریبا عزیز» را صمیمانه تسلیت عرض کرده و خود را در غم شما شریک می دانیم.

مهناز و امیر خجسته

اند و بر سر این که چند گام آخر را کدام بردارند خانواده های دو طرف مشغول چانه زنی شده اند.

دو طرف البته انگیزه های پرتوانی برای نزدیکی با یکدیگر دارند. حکومت بوش که به دلیل افتضاح سیاست های خارجی اش در عراق و افغانستان صدمه سیاسی بزرگی خورده است نیاز دارد اگر بتواند در سال آخر حکومتش کاری نیکسونی (چین) یا ریگانی (شوروی) بکند تا شاید اعتبار از دست رفته خود را باز یابد. او می داند که تنها یک حکومت افراطی راست در ایران می تواند بدون دغدغه از مخالفتش با آمریکا کنار بیاید. احمدی نژاد نیز در ایران با یکی از شدیدترین بحران های اقتصادی و اجتماعی خود ساخته دوران جمهوری اسلامی روبرو است و شیخ تحریم های بیشتر سایه سنگینی بر این بحران ها انداخته و آنها را خطرناک تر کرده است. او در آستانه رأی گیری برای مجلس در اسفند نیاز شدید دارد به آن که آرای از دست رفته خود را باز یابد. و نزدیکی با آمریکا و رفع تحریم ها می تواند عامل بزرگی در جذب رأی مردم (در رقابت با اصلاح طلبان) برای او و اطرافیان باشد.

این انگیزه است که ظاهراً دو طرف متخاصم را به سوی یکدیگر جذب می کند. تغییر لحن و رفتار دو طرف در روزها و هفته های اخیر به صورت چشمگیری بروز کرده است. تحویل اولین محموله سوخت هسته ای بوشهر از سوی روسیه (پس از مدت ها تأخیر) و تأیید آمریکائیان از این عمل را نیز باید در همین راستا تفسیر کرد. آمریکائیان تأکید کرده اند که این عمل نشان می دهد که ایران به غنی سازی هسته ای نیاز ندارد، و احیاناً از طریق روس ها از جمهوری اسلامی تأیید آن را گرفته باشد. تصویب قطعنامه جدید سازمان امنیت علیه ایران تا ماه ژانویه به تأخیر افتاده است و آمریکائیان اصراری برای تسریع در آن از خود نشان نمی دهند. از سوی دیگر، از قول مقامات اسرائیلی نقل شده است که آمریکائیان از آنان خواسته اند که لحن انتقادی خود را نسبت به گزارش سازمان های اطلاعاتی آمریکا نرم کنند. قرار است دور جدید مذاکرات سفرای ایران و آمریکا در عراق در ژانویه آغاز شود. ولی اگر در آینده نه چندان دوری خبری آمد که مذاکرات دیگری در سطوح بالاتر در پاریس یا رم هم آغاز شده است نباید تعجب کرد. در عین این که ممکن است با یک حادثه یا عملی اختیاری یا تصادفی، همه این مقدمات به هم بریزد و باز دو کشور در لبه پرتگاه جنگ قرار بگیرند. در عالم سیاست، هر چیزی شدنی است.

کلینتون از نزدیکی با ایران به چشم می خورد. ولی هیچ یک از دو طرف به دلیل نگرانی از واکنش مخالفان سیاسی داخلی خود گام مؤثری در این راه برنداشتند. در ایران به خصوص پس از این که خامنه ای طرح مذاکره با آمریکا را با خیانت و حماقت و بی غیرتی برابر دانست، خاتمی و اطرافیان او دیدند هوا خیلی پس است و مجبور شدند ماست مذاکره با آمریکا را کیسه کنند. ظاهراً سرنوشت آن بود که زمان بگذرد و در ایران و آمریکا، در هر دو، افراطی ترین حکومت های این دو کشور در چند دهه اخیر بر سر کار آیند تا شاید طلسم روابط ایران و آمریکا بشکند، و اکنون شواهد نشان می دهد که این روند آغاز شده است.

پس از دو سال و اندی تشنج آفرینی از سوی دو نیروی متخاصم (حکومت های ایران و آمریکا) و کشاندن ایران به لبه پرتگاه جنگ، اکنون علیمی وجود دارد که از تغییر سیاست این دو نیرو نسبت به یکدیگر حکایت میکند. از یک سو آمریکا علاقه بیشتری به گفتگو با جمهوری اسلامی نشان می دهد و از سوی دیگر رژیم اسلامی لحن گفتارش را تغییر داده است. آمریکا این تغییر را از یک سال پیش از خانم رایس برای اولین بار از آمادگی کشور متبوع خود برای گفتگو با ایران در طول ۲۸ سال گذشته خبر می داد، شروع کرد. گفتگوهای بین دو کشور در سطح سفیران در عراق گام بعدی این حرکت بود. انتشار گزارش سازمان های اطلاعاتی آمریکا در هفته ای اخیر نیز ظاهراً به این منظور صورت گرفت که افکار عمومی آمریکا را برای این تغییر سیاست آماده کند، از سوی ایران نیز لحن احمدی نژاد ناگهان نسبت به آمریکا تغییر کرد. علاوه بر این، روزنامه یواس ای تودی روز دوشنبه از کاهش ۵۰ درصدی حمله به وسیله بمب های جاده ای عراق (که آمریکا آنها را کار ایران می دانست) خبر داده است. تصمیمی که به گفته این روزنامه، «تحلیلگران را متحیر» کرده است.

آقای احمدی نژاد اکنون و بی خیال از این که مراد و رهبرش در همین سالهای اخیر صحبت از گفتگو با آمریکا را خیانت و حماقت و بی غیرتی دانسته است از مذاکره با آمریکا سخن می گوید. او با اشاره به گزارش اخیر سازمان های اطلاعاتی آمریکا، آن را یک گام به جلو ارزیابی کرده و خواسته است تا «یکی دو گام دیگر برداشته شود» تا راه برای «تعاملات دوجانبه» باز گردد. کاخ سفید نیز در واکنش به این سخن خواسته است که رژیم ایران این «یکی دو گام» را بردارد. مسئله به حد آئین عروس کشان رسیده است که عروس و داماد به چند قدمی یک دیگر رسیده



از ماست که برماست

افلیا پرویزاد e-mail: azmastkebarmast@yahoo.com

For the year 2008, and the rest of our lives....

- 1- **Throw out nonessential numbers.** This includes age, weigh and height. Let the doctor worry about them. That is why you pay 'them'.
- 2- **Keep only cheerful friends.** The grouches pull you down.
- 3- **Keep learning.** Learn more about the computer, crafts, gardening, whatever. Never let the brain idle. 'An idle mind is the devil's workshop.' And the devil's name is Alzheimer.
- 4- **Enjoy the simple things.**
- 5- **Laugh often, long and loud.** Laugh until you gasp for breath.
- 6- **The tears happen.** Endure, grieve, and move on. The only person, who is with us our entire life, is ourselves. Be alive while you are alive.
- 7- **Surround yourself with what you love,** whether it's family, pets, keepsakes, music, hobbies, whatever. Your home is your refuge.
- 8- **Cherish your health,** if it is good, preserve it. If it is unstable, improve it. If it is beyond what you can improve, get help.
- 9- **Don't take guilt trips.** Take a trip to the mall, even to the next country, to a foreign country but not to where the guilt is.
- 10- **Tell the people you love that you love them,** at every opportunity.

And always remember:

Life is not measured by the number of breaths we take, but by the moments that take our breath away. We all need to live life to its fullest each day.

Happy New Year to all our readers, and to all the good people on earth.

ادامه مطلب کبوتر با کبوتر باز با باز... از صفحه ۲۵

به آن موفق نشده بودند (علازم این که یک بار هم به خاطر همین تلاش ها، رهبران آنها جایزه صلح نوبل را گرفتند). تمام امید و تلاش مقامات بریتانیا و قدرت های خارجی مانند آمریکا در طول پیش از دو دهه متوجه نیروهای میانه رو بود، که هیچگاه به ثمر نرسیده. سرانجام، راه حل جایی پیدا شد که ناشدنی می نمود. با اشاره به نیم بیت یاد شده در عنوان نوشته می توان گفت که بازها ظاهراً بهتر می توانند با بازها پرواز کنند تا کبوترها با کبوترها. این پدیده ها یک توضیح پیش پا افتاده دارد: نیروهای معتدل در ابتکار سیاسی در برابر رقیبان افراطی یا راست خود ضربه پذیرند، و باید مواظب خنجر خوردن از پشت باشند، در حالی که نیروهای اخیر از پشت جبهه خود نگرانی ندارند. یک رئیس جمهور دموکرات آمریکا باید طوری در برابر کشورهای کمونیستی عمل می کرد که از سوی راست ها به سازش و وادادگی متهم نشود.

یک رئیس جمهور یخواره چنین نگرانی ای ندارد، اگر یک رهبر حزب کارگری اسرائیل با مصر قرارداد صلح می بست و زمین های سینا را به آن پس می داد، بدون شک از سوی مخالفان راستگرای خود در حزب لیکود به خیانت متهم می شد و این امر می توانست به بهای سنگینی از نظر سیاسی برای او تمام شود. یک رهبر لیکود با چنین خطری روبرو نبود. نزدیکی نیروهای معتدل در ایرلند شمالی مرتباً از سوی دو حزب افراطی که اکنون با هم کنار آمده اند، با کارشکنی مواجه می شد و به شکست می انجامید. اکنون نیروی افراطی دیگری نیست که بخواهد کار این دو حزب را به شکست بکشد و از آن بهره برداری سیاسی بکند. دو نیروی متخاصم در دو سر طیف سیاسی ممکن است تا آنجا که بتوانند نسبت به هم دشمنی به خرج دهند، ولی اگر به دلایلی به آشتی دست ززند می توان شانس موفقیت بیشتری از آنان انتظار داشت!

می توان استدلال کرد که ایران اکنون تحت افراطی ترین حکومت از نوع خود در دوران جمهوری اسلامی به سر می برد. و دقیقاً به همین دلیل احمدی نژاد می تواند کارهایی بکند که پیشینیان او، و از جمله خاتمی با همه محبوبیت خود در دوران ریاست جمهوری اش، جرأت انجام آن را نداشتند. از نظر داخلی، چه کفن پوشانی که در دوران خاتمی به خاطر درج یک خبر یا عکس یا مقاله یا داستان در یک نشریه به خیابان ها می ریختند، ولی اکنون نمونه های مشابه آن کمترین واکنشی بر نمی انگیزاند. یا تصور کنیم که اگر خاتمی به کنفرانس سران کشورهای عرب خلیج فارس می رفت و وزیر آرم «الخلیج العربی» می نشست در ایران هواداران جناح مخالفش چه غوغایی به راه می انداختند. سایت اینترنتی «الف» که از رسانه های وابسته به جناح به اصطلاح اصولگرایان است دقیقاً با اشاره به همین «تابوشکنی» های احمدی نژاد از نوع برخوردها و موضعگیری های او در رابطه با آمریکا صریحاً انتقاد کرده و با نقل قول های خمینی و خامنه ای درباره رابطه با آمریکا، نوشته که احمدی نژاد کارهایی کرده است که پیشینیان او هیچ گاه جرأت انجام آن را نداشته اند.

از هنگام شکل گیری جمهوری اسلامی، همه تلاش هایی که از سوی حکومت جمهوری اسلامی برای نزدیکی با آمریکا صورت گرفته با کارشکنی های جناح افراطی/محافظة کار رژیم در ایران به شکست انجامیده است. آخرین این تلاش ها در زمان خاتمی به صورت های علنی و مخفی صورت گرفت، و نشانه هایی از استقبال دولت

دیوار برلن در اوایل دهه هشتاد میلادی محکم بر سر پا بود، و آلمان ها رؤیای وحدت دوباره خود را تا قرن بعد عملی نمی دیدند. اتحاد جماهیر شوروی نیز محکم تر از آن به نظر می رسید که تا چند سال بعد شیرازه های آن از هم پاشد و کشورهای عضو آن به جامعه سرمایه داری پیوندند. نمونه های شدن چیزهای «ناشدنی» در جهان سیاست بسیار است. تحولاتی که به انقلاب کشیده است: رژیم های قدر قدرتی که به کنار رفته اند؛ رژیم های به ظاهر سست بنیادی که برجا مانده اند؛ دشمنان دیرینه ای که با هم کنار آمده اند؛ اتحادهایی که جایجا شده اند؛ و متحدان پیشینی که در برابر هم قرار گرفته اند. بسیاری از این تحولات پراساس داده های سیاسی و ایدئولوژیک، و آمال و منافع و آرزوهای شخصی عاملان و مباحث این تحولات، قابل تبیین است. ولی برای کسانی که سیر این تحولات را برخلاف تحلیل ها یا آمال و آرزوهای خود می بینند درک این داده ها چندان ساده نیست. مخالفان رژیم شاه، او را دیکتاتور خون آشامی می دیدند که برای حفظ قدرت، با آتکا به گارد شاهنشاهی خود از هیچ جنایتی، و از جمله به راه انداختن حمام خونی از تظاهر کنندگان معترض، فروگذار نخواهد بود، پس سقوط شاه را ناممکن می دیدند. پیروان آیت الله خمینی او را فرد مقدسی می دانستند که حتی به مگس آزار نمی رساند، و از این رو تصور این که او روزی بر روی ورق پاره ای فرمان قتل عام هزاران زندانی سیاسی را صادر کند برایشان ناممکن بود. «ناشدنی ها» شده است. در جهان سیاست نباید هیچ چیز را ناشدنی دانست.

در بین «ناشدنی ها»، آشتی هایی که بین نیروهای متخاصم صورت گرفته از همه چشم گیر تر است، به عبارت دیگر، گام نیروهای افراطی در قطب های مخالف صحنه هایی آفریده اند که از نیروهای معتدل بر نمی آمده است. آشتی تاریخی چین و آمریکا در زمان ریچارد نیکسون و هنری کیسینجر، هر دو از راست گرایان طیف سیاسی جمهوریخواه آمریکا، و با سفر ناگهانی نیکسون به چین، صورت گرفت. شکست یخ بین آمریکا و شوروی نیز در دوران یک راست گرای دیگر آمریکا یعنی رونالد ریگان که شوروی را «امپراتوری اهریمنی» نامیده بود انجام شد. هیچ حکومتی از حزب دموکرات در آمریکا چنین موفقیت هایی نصیب نشده بود. اولین قرارداد صلح بین اسرائیل و یک کشور عربی (مصر) در زمان یک حکومت کارگری و بلکه به دست مناحیم بگین رهبر پیشین گروه افراطی و تروریست ضد عرب ایرگون امضا شد. بن بست سیاسی سرانجام با آشتی دو گروه متخاصم شکست که در دو انتهای طیف سیاسی قرار داشتند و سایه یکدیگر را از دور با تیر می زدند.

ایان پیزلی، کشیش فرتوت و متعصب ایرلند شمالی که پاپ و واتیکان را شیطانی و جهنمی می داند، اکنون بیش از ۷ ماه است که با معاون اول خود، مارتین مگ گینس از رهبران خشن و کاتولیک ارتش آزادیخواه ایرلند، حکومت خود مختار این تکه کوچک از جزیره ایرلند را (زیر نظر بریتانیا) اداره می کنند. هفته پیش آنان در واشنگتن بودند و با یکدیگر به دیدار مقامات سیاسی آمریکا رفتند. در دیدار آنها با بوش، مگ گینس گفت که تا ۷ ماه پیش من و دکتر پیزلی حتی یک کلمه با هم حرف نزده بودیم، و حال کمتر روزی است که با هم کار نداشته باشیم. این دو (و احزاب متبوع آنان) کاری کردند که نیروهای میانه رو کاتولیک و پروتستانت ایرلند شمالی در طول سالها تلاش

Fantastic Imagery

Photo & Video Productions
Artistic, Imaginative
Unobtrusive

عکاسی و فیلمبرداری مجالس عروسی،
سالگرد و سایر مراسم و جشن ها
خاطرات روز خوشتان را از نگاه هنری
و تکنیکی ما، همیشه جاودان نگه دارید!

پکج های مختلف برای هر بودجه

عکسها، تکپیویدویونان را در کوتاهترین مدت دریافت خواهید کرد!

(408) 891-7828 & (916) 435-9616

www.fantasticimagery.com

